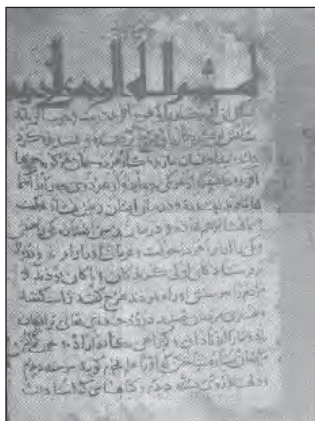


گاهشماری ایرانی از روی چاپ عکسی یادشده رونویس شده است.

گفتنی است که در جاهای دیگر متن هم اشاره‌هایی به نجوم ایرانی (یا به قول نویسنده پارسی) وجود دارد که از جمله آنها فهرست نامهای پارسی سیارات (ص ۷)، صورتهای فلکی (ص ۸)، بروج (ص ۱۱) و ستارگان است.<sup>۳</sup>



## گاهشماری ایرانی در گیهان‌شناخت

مقدمه و یادداشتها از: ع. بهرامی

کتاب گیهان‌شناخت، تألیف ابوعلی حسن‌بن علی قطان مروزی (۴۶۵-۵۴۸ق) از کهنترین و مهمترین آثار فارسی در نجوم است که در سالهای ۴۹۸ تا ۵۰۰ق تألیف شده است (طهرانی، صص ۳۷۶-۳۷۷). نسخه موجود این کتاب در کتابخانه آیت‌الله مرعشی در قم، به همراه مقدمه سید محمود مرعشی، از سوی انتشارات این کتابخانه به صورت عکسی چاپ شده است (برای آگاهی بیشتر از مؤلف و اهمیت و ویژگیهای اثر و نیز نسخه‌ها بنگرید به مقدمه این چاپ).<sup>۱</sup>

بخش گاهشماری ایرانی (مندرج در صفحات ۱۶۰ تا ۱۶۵ نسخه/۲۳۸ تا ۲۴۳ چاپ عکسی) که از قدیمترین و جامعترین گزارشها در این باره است، علاوه بر آگاهی‌هایی که در دیگر آثار نزدیک به روزگار تألیف اثر آمده است، چند نکته تازه هم در بر دارد که نگارنده این یادداشت، تاکنون آنها را در منابع دیگر ندیده است. از جمله این موارد نامهای دیگری («فرخ‌روز» و «به‌روز») است که مؤلف برای روزهای اول و سی‌ام ماه (هرمز‌دروز و انیران‌روز) ذکر کرده است. نکته دیگر، نام محل کشته‌شدن یزدگرد سوم است (نک: پانوش ۱۷).<sup>۲</sup> در باب جامعیت این گزارش نیز شرح کامل ولی موجز نویسنده از آداب و آیینهای رایج در سال بهیژگی و نیز فهرست نامهای گوناگون پنجه دزدیده یا خمسه مسترقه نزد ایرانیان، عربها، و منجمان، شایان ذکر است. بخش

### متن

... و نوعی دیگر از ماههای اصطلاحی ماههای پارسیان است کی ایشان سالی دوازده ماه نهاده‌اند هر ماهی سی روز و اول ماههای ایشان فروردین‌ماه است دوم اردیبهشت‌ماه سیم خردادماه چهارم تیرماه پنجم مردادماه

۱. آقای محمود مرعشی در مقدمه نکاتی (عمدتاً به نقل از منابع دیگر) در تأیید شیعی بودن مؤلف آورده است که بدانها نکته‌ای از خود متن می‌توان افزود: در جدول اعیاد (مندرج در ص ۱۷۸ نسخه) برای روز دهم محرم آمده است: «عاشورا و هو مقتل حسین بن علی بن ابی‌طالب علیهم السلام». و در ادامه هم چند مناسبت شیعی دیگر ذکر شده است: حرب صفین، یوم‌الجمل، مولد حسین بن علی، و فاته علی بن ابی‌طالب، مولد علی بن ابی‌طالب، روز غدیر.

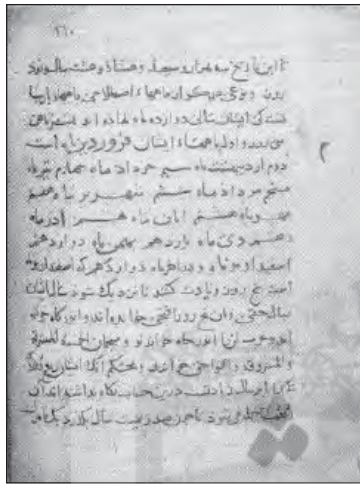
۲. نکته مهم دیگر لقب کیومرث است که مروزی هم گفته که او را «گل‌شاه گویند یعنی پادشاه زمین». ادامه این گزارش نیز خواندنی است: او (کیومرث) خویشتن را آدم نام کرد و گفت هرک مرا جز به این نام خواند گردنش بزخم و گویند کیومرث از فرزندان سام بن نوح پیغامبر بود (ص ۱۷۵).

در جایی دیگر (ص ۱۷۶) هم در ذکر طوفان نوح آمده است: ...بعضی گفته‌اند طهمورث این سخن (وقوع طوفان) شنیده بود و کتابها و خزینها به اصفهان استوار کرده بود از بیم طوفان.

۳. همین‌جا از بزرگواران استاد ایرج افشار، یونس کرامتی، و علی صفری آق‌قلعه که این نوشته را پیش از چاپ خواندند و اصلاح کردند، سپاسگزارم.

ششم شهریور<sup>۶</sup> ماه هفتم مهرماه هشتم آبان‌ماه نهم آذرماه دهم دی‌ماه یازدهم بهمن‌ماه دوازدهم اسفندارمزمه و در آخر ماه دوازدهم که اسفندارمزمه است پنج روز زیادت کنند تا نزدیک شود سال ایشان به سال حقی و آن پنج روز<sup>۷</sup> را فنجی خوانده‌اند و اندرگاه خوانده‌اند و عرب آن را اندرگاه خواندند و منجمان الخمسة المسترقة و المسروقه و اللواحق خوانند و به حکم آنک ایشان ربع روز را کی بر ایام سال زیادت است در این حساب نگاه نداشته‌اند آن ربعها جمله می‌شود تا چون صدویست سال بگذرد یک ماه راست [ص ۱۶۰] زیادت شده باشد آن‌گاه آن سال را سیزده ماه نهند و پنجه به آخر آن ماه نهند تا آن ماه زاید سی‌وپنج روز باشد و آن ماه را ماه کیسه خوانند و به پارسى بهیژک خواندندی و نتوانستند که هر چهار سالی یک روز زیادت کردندی از بهر آنک موبدان [آن] را در اُستاء خواندندی و ملوک و پارسیان یاد کردن هر روزی از سال چیزی دیگر بایستی کردن و پادشاهان نیز هر روزی را اسپرغمی داشتندی و یک‌گونه از شراب خوردندی و یک نوع جامه پوشیدندی پس اگر در هر چهار سالی یک روز زیادت کردندی آن رسمها و آیینها همه مضطرب گشتی و چاره نبود آن نگاه‌داشتن سال عالم از بهر آنک موبدان ایشان چنین گفته بودند که خدای تعالی چون مردم را آفرید روز هر مزد بود از ماه فروردین و آن روز آفتاب در نقطه اعتدال ربیعی بود و در وقت آفریدن مردم آفتاب در این نقطه بود بر وسط‌السماء و از این روز اندر گویند که چون هفت هزار [ص ۱۶۱] سال بگذرد سال تمام شود و زردشت چنین گفته است که من بر سر سه‌هزار سال آمدم از این تاریخ و بفرمود تا این کیسه نگاه دارند پس هر صدویست سال یک ماه کیسه کردندی و آن سال را تعظیم کردندی و عمال و موبدان و هیربدان و مجلسان<sup>۷</sup> و حکیمان را از شهرها به درگاه پادشاه خواندندی و جمله را از خزینه پادشاه خلعت و نواخت فرمودندی و جشن کردندی و از رعیت در آن سال هیچ چیز نخواستندی و تاریخ از آن سال نهادندی تا دیگر باره که سال کیسه بیامدی و در قدیم چنان بوده است که آن ماه را در دور نخستین به نام ماه اول خواندندی فروردین‌ماه و تا صدویست سال نگذشتی پنجه به آخر فروردین می‌بودی پس چون صدویست سال بگذشتی آن ماه که در آن سال زیادت

کردندی آن ماه را اردیبهشت خواندندی و پنجه به آخر اردیبهشت‌ماه بردندی تا یک دور دیگر و همچنین تا آنگاه که جمله ماهها را کیسه کردندی آنگاه به سر باز آمدندی [ص ۱۶۲] و اتفاق چنان افتاد که در وقت کسری بن قباد انوشروان آفتاب به سر حمل در ماه آبان آمدی و پنجه در آخر آبان‌ماه افتاده بود و در کیسه دیگر ماه آذرماه نام خواستند کردن و پنجه به آخر آذرماه خواستند نهاد از اضطراب و تشویش که در احوال پادشاهان ایشان افتاد موبدان ایشان آن حساب بگذاشتند و پنجه به آخر آبان‌ماه بماند.



پارسیان هر روزی را از ایام ماه نامی دارند بدین ترتیب که بگوئیم<sup>۸</sup> روز اول هرمزد و نیز فرخ<sup>۹</sup> روز دوم بهمن سیم اردیبهشت<sup>۱۰</sup> چهارم شهریور پنجم اسفندارمدم ششم خرداد هفتم مرداد هشتم دی‌به‌آذر نهم آذر دهم آبان

۴. در التفهیم (نک: بیرونی، ص ۲۳۴) و روضة‌المنجمین (نک: شهرمدان بن ابی‌الخیر، ص ۱۹) نیز چنین آمده است.
۵. استاد همایی هم در حاشیه بر التفهیم (ص ۲۳۴) می‌نویسد: در کتاب الازمنه و الامکنه تألیف امام ابوعلی مرزوقی اصفهانی متوفی ۴۷۸ نیز «شهریر» ضبط شده و در اشعار متقدمان هم آمده است. استاد لیبی گوید: چو در روز شهریر آمد به شهر ز شادی همه شهر را داد بهر
۵. متن: رو
۶. «اوسته» کتاب مقدس زردشتیان.
۷. این کلمه «منجمان» می‌تواند باشد که غلط کتابت شده است (یادآوری استاد ایرج افشار).
۸. متن، بگوایم
۹. این نام برای هرمزدروز در منابع دیگر دیده نشده است.
۱۰. در حاشیه: ماه میانین از بهار نقل من منتخب؟



### کتابنامه

- ابوعلی قطان مروزی، گیهان‌شناخت (چاپ عکسی)، قم، کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۹ش.
- بندهش، گزارش مهرداد بهار، تهران، توس، ۱۳۶۹ش.
- بیرونی، ابوریحان، التفهیم لاوائل صناعة التنجیم، به تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران، هما، ۱۳۶۷ش.
- پورداود، ابراهیم، یادداشت‌های گاتهد تهران، انجمن ایران‌شناسی، ۱۳۳۶ش.
- حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، به کوشش گای لیسترانج، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲ش.
- شهرمدان بن ابی‌الخیر رازی، روضة المنجمین، تصحیح و تحقیق جلیل‌اخوان زنجانی، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲ش.
- طهرانی، سیدجلال‌الدین، «نمونه از نثر فارسی قدیم» (۲)، ارمغان، سال سیزدهم، ش ۶، صص ۳۷۶-۳۷۷.
- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۶ش.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، آفرینش و تاریخ، مقدمه و ترجمه و تعلیقات از محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، آگه، ۱۳۷۴ش.
- وزیدگیهای زادسپرم، ترجمه محمدتقی راشد محصل، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵ش.

یازدهم خور دوازدهم ماه سیزدهم تیر چهاردهم جوش<sup>۱۱</sup> پانزدهم دی به مهر شانزدهم مهر هفدهم سروش هژدهم رش<sup>۱۲</sup> نوزدهم فروردین بیستم بهرام بیست و یکم رام بیست و دوم باد بیست و سوم دی به دین بیست و چهارم<sup>۱۳</sup> دین [ص ۱۶۳] بیست و پنجم آرد بیست و ششم اشتاد بیست و هفتم آسمان بیست و هشتم زامیاد بیست و نهم مهراسفند سی ام انیران و نیز به روز<sup>۱۴</sup> گویند جمله سی روز و پنج روز را که به آخر سال زیادت کنند نام این است اول اهنود دوم اشتود سیم اسفندمد چهارم استیمد پنجم وهشت وهشتتیر<sup>۱۵</sup> نیز گویند<sup>۱۶</sup> و در تواریخ عجم و ایام سال پادشاهان ایشان خلاف سخت بسیار است و در میان تواریخ ایام فترت بوده است که کس حساب آن مدت فترت نگاه نداشته است اما اکنون آن تاریخ پارسیان معروف تاریخ یزدگرد است که پسر شهریار بود و باز پسین ملوک عجم بود و ملک عجم بر دست او تباه شد و او به مرو بر دست آسیابانی کشته شد به ده زرق<sup>۱۷</sup>. پس آن بزرگی کی این حال بود نزدیک عجم اول آن سال که یزدگرد به پادشاهی نشسته بود تاریخ ساختند و آن روز سه شنبه بود بیست و دوم ربیع الاول سنه احدی عشرة لهجرة النبی محمد مصطفی - صلی الله علیه - و شانزدهم [ص ۱۶۴] حزیران سنه ثلث و اربعین و تسعه مایه لذی القرنین و زیج جامع کوشیاربن لبان بن باشهری الجیلی بر این تاریخ است و میان این تاریخ و تاریخ طوفان سه هزار و هفصد و سی و پنج سال و سیصد و بیست و دو روز و بیشتر آن گبران تاریخ آن سال وفات یزدگرد دارند و این پس از تاریخ ملک او باشد نه بیست سال<sup>۱۸</sup>.

۱۱. معرب گوش

۱۲. رَشَن

۱۳. از بیست و یکم تا اینجا اعداد در نسخه بدون واو عطف آمده است.

۱۴. این نام برای انیران روز در منابع دیگر دیده نشده است.

۱۵. نام این پنج روز در گاهشماری ایرانی باستان (برگرفته از نام پنج بخش گاهان (وستا) به نام «گاه» و تلفظ آنها بر اساس املاهای فارسی میانه (پهلوی) چنین است، اَهْتَوَد/اهونود، اَشْتَوَد، سَبْتَمَد/سپندرم، و هوشتر/تر، و هیشْتَوایشْت/اِشت (نک، وزیدگیهای زادسپرم، ۷۵؛ پورداود، ۶۶-۶۷).

۱۶. نویسنده گویا هشتتیر را املاهای دیگر وهشت پنداشته است، در غیر این صورت «نیز گویند» زائد است.

۱۷. در البدء و التاریخ مقدسی هم چنین آمده، ولی دکتر شفیعی کدکنی، مترجم فارسی این اثر (در ص ۸۶۷، پانوش ۲) با استناد به معجم البلدان یاقوت (۳/ ۴۲) صورت درست را «رزیق»

← دانسته است. اما حمدالله مستوفی (صص ۲۱۶-۲۱۵) این نام را (با نقل شعری از نافع بن اسود تمیمی) زریق آورده است. در برخی نسخه‌های شاهنامه نیز زرق (قافیه شده با برق و غرق) آمده است (نک: فردوسی ۵۳/۸ بب). با توجه به این موارد و نیز مروزی بودن نویسنده گیهان‌شناخت و نیشابوری بودن نویسنده البدء و التاریخ (هر دو نزدیک این مکان)، املاهای متن قابل تأمل به نظر می‌رسد.

۱۸. در صفحه ۱۹۸ نیز نویسد: اما ایام عالم به نزدیک صاحب الوف سیصد و .... هزار سال شمسی است و از ابتدای عالم تا روز آدینه که تاریخ طوفان بوده است صد و هشتاد هزار سال گذشتست و پس از طوفان نوح تا روز سه شنبه اول روز از ملک ملک یزدگرد بن شهریار سه هزار و هفتصد و سی و سه سال و هشتاد و شش روز گذشته است و هزار سال چهارم تمام شده است چون از آن تاریخ یزدگرد دو بیست و شست و شش سال و چهل روز بگذشت آن وقت آفتاب به نقطه حمل بود.